

مذاکرات وین، مهمترین موضوع سیاست خارجی ایران در آخرین سال قرن چهاردهم شمسی بود؛ مذاکراتی که در بی احیای توافق موسوم به «برجام» بود و همین موضوع باعث شده بود که در طول مذاکرات، چه در دولت روحانی و چه دولت رئیسی، کاسبان تحریک حداکثر توان خود را برای به هم زدن آن خرج کنند.

پیروزی «جو بایدن» بر «دونالد ترامپ» در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا مقدمه ای بود بر احیای برجامی‌که ترامپ با قلدری از آن خارج شده بود و با این کار رژیم صهیونیستی و بعضی تندروهای داخل ایران را خوشحال کرده بود. این رفتار ترامپ البته همراه بود با درخواست‌هایی که او برای مذاکره با ایران داشت اما معلوم بود که منظور او از مذاکره بیشتر نمایش و تبلیغ بود تا حل و فصل مسائل سیاسی. همچنان که دیدار و گفت‌وگوی او با رهبر کره شمالی چیزی بیش از این نبود و هیچ نتیجه ملموسی نداشت. با این حال با شروع به کار دولت جو بایدن که از قبیل تمایل خویش به احیای برجام را اعلام کرده بود، و آماده شدن مقدمات، این مذاکرات در فروردین ۱۴۰۰ در وین آغاز شد. تفاوتی که این مذاکرات با مذاکرات قبل داشت این بود که بر اساس نظر مقامات عالی رتبه نظام این بار گفتگوی مستقیم با آمریکا ممنوع بود و به این ترتیب مذاکرات ۵۰۱ تبدیل به دو سری مذاکره ۴+۱ شد. چهار کشور میانه (روسیه، چین، فرانسه و انگلیس) یکبار با ایران مذاکره می‌کردند و بار دیگر با آمریکا.

مسئول تیم مذاکره کننده ایران، عباس عراقچی معاون محمدجواد ظریف بود و در ایامی که این مذاکرات جریان داشت، کار با دقت و موفقیت به پیش برده؛ آن چنان که حسن روحانی یکبار اعلام کرد که «اگر به عراقچی اختیار بدهیم، همین امروز تحریم می‌تواند برداشته شود». این پیشرفت کار البته برای «کاسبان تحریم» غیر قابل قبول بود.

درآمد سرشار آنها از تحریم یکبار با برجام متوقف شده بود و حالا نمی‌خواستند بار دیگر این اتفاق تلخ تکرار شود. برای همین «عباس عراقچی» تبدیل به سیبل اصلی آنها شد. پیش از آن محمدجواد ظریف را با انتشار «فایل صوتی» از میدان خارج کرده بودند و وقتی او اعلام کرد که به هیچ وجه کاندیدای ریاست جمهوری نمی‌شود، دست از سرس او برداشتند. اما عراقچی همچنان خطری بزرگ برای منافع آنها بود.

از سوی دیگر بعضی طیف‌های سیاسی هم توان به هم خورد را صرف این می‌کردند که دیگر هیچ توافقی در ماه‌های آخر دولت روحانی صورت نگیرد. برای منافع جناحی لازم بود که هر گونه توافقی تا استقرار دولت رئیسی تاخیر بیفتد.

تمام سال ۱۴۰۰ با امید به نتیجه بخشی مذاکرات وین گذشت

سریال تلخ فرسایش اقتصاد و روان مردم!



این پاسخ داده می‌شد که روسیه تنها یکی از طرف‌های مذاکره است و نه بیشتر!

بهر حال مذاکرات وین در اواخر تیرماه متوقف شد تا انتقال دولت صورت بگیرد. بعد از آن هم دوماهی صحتی از مذاکرات نبود تا اینکه تیم

حتی به قیمت اینکه مردم در زیر فشار روزافزون تحریم‌ها و مشکلات اقتصادی له شوند.

بهر حال مذاکرات وین در اواخر تیرماه متوقف شد تا انتقال دولت صورت بگیرد. بعد از آن هم دوماهی صحتی از مذاکرات نبود تا اینکه تیم

بعضی طیف‌های سیاسی همه توان و همت خود را صرف این می‌کردند که دیگر هیچ توافقی در ماه‌های آخر دولت روحانی صورت نگیرد. برای منافع جناحی لازم بود که هر گونه توافقی تا استقرار دولت رئیسی به تاخیر بیفتد، حتی به قیمت اینکه مردم در زیر فشار روزافزون تحریم‌ها و مشکلات اقتصادی له شوند

جدید مذاکره کننده ایران به سرپرستی «علی باقری کنی» تشکیل شد و علی رغم اینکه تلاش می‌شد هیچ سخنی از برجام و مذاکرات قبلی نگفته نشود، گفتگوها بر پایه توافق‌های اولیه

عباس عراقچی و برای احیای برجام آغاز شد. در واقع همواره تصمیم گیری برای مذاکرات هسته ای در سطحی بالاتر از دولت ایران انجام

می‌گرفت و این واقعیتی بود که اگر عمدا نادیده

گرفته می‌شد فقط برای استفاده جناحی بود.

یک تفاوت عمده که در پیرامون مذاکرات جدید نسبت به دور قبلی شکل گرفت، این بود که این بار «اولیانوف» مذاکره کننده ارشد روسیه تبدیل به مهمترین منبع برای خبررسانی درباره پیشرفت مذاکرات شده بود.این موضوع هشدارها درباره بازی کردن روسیه با کارت ایران در این مذاکرات را بیشتر کرد.

شروع اختلاف‌ها و خطر باقوه جنگ در اوکراین، این هشدارها را بیشتر کرد اما از طرف دولت

سیزدهمین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری در ایران ۲۸ خرداد برگزارو در آن سید ابراهیم رئیسی به عنوان هشتمین رئیس‌جمهور ایران انتخاب شد. این انتخابات همزمان با انتخابات شوراهای اسلامی‌شهر و روستا، میان‌دوره‌ای مجلس شورای اسلامی و میان‌دوره‌ای دوم مجلس خبرگان رهبری برگزار شد اما اینس بار اهمیت انتخابات ریاست جمهوری هم برای بسیاری از مردم چندان بیشتر از سایر انتخابات نبود. از یک سو عملکرد مجموعه حاکمیت و از جمله دولت حسن روحانی و از سوی دیگر عدم احراز صلاحیت تعدادی از کاندیداهایی که می‌توانستند به ایجاد فضای رقابتی در انتخابات کمک کنند موجب شده بود نتیجه انتخابات از قبل، مشخص باشد. به همین دلیل انتخاب سید ابراهیم رئیسی به ریاست

جمهوری، در انتخاباتی سرد که پاینتزین میزان مشارکت مردم در انتخابات ریاست جمهوری در سسالهای پس از پیروزی انقلاب اسلامی‌را رقم زد و در عین حال بالاترین آرای باطله را ثبت کرد

چندان عجیب نبود. ۵۹۲ رأی‌دهنده برای حضور در این انتخابات به عنوان نامزد ثبت نام کردند که شورای نگهبان، تنها صلاحیت هفت نفر را برای نامزدی در انتخابات سیزدهم ریاست‌جمهوری تأیید کرد:

محسن رضایی، سید ابراهیم رئیسی، سید امیرحسین قاضی‌زاده‌هاشمی، عبدالناصر همتی، محسن مهرعلیزاده، علیرضا زاکانی و سعید جلیلی. عدم احراز صلاحیت تعدادی از کاندیداهایی که حضورشان می‌توانست موجب رقابتی تر شدن انتخابات شود حاشیه‌هایی ایجاد کرد اما در نهایت تأثیری در اصل ماجرا ایجاد نکرد. از بین کاندیداهای معرفی شده توسط جبهه اصلاحات، هیچ کاندیدایی احراز صلاحیت نشد. جبهه اصلاحات قصد داشت پس از احراز صلاحیتها و مشخص شدن کاندیدای نهایی، نظر خود را درباره حمایت از کاندیدای این جبهه اعلام کند اما هیچ‌یک از کاندیداهایش تأیید نشدند. مصطفی کوکبیبیان دبیرکل حزب مردم سالاری یکی از کاندیداهای جبهه اصلاحات بود که با وجود سابقه دو دوره حضور در مجلس شورای اسلامی و بیست سال دبیرکل یک حزب سیاسی، احراز صلاحیت نشد. برخی احزاب اصلاح طلب از دو کاندیدایی که نزدیکی بیشتری با جریان اصلاحات داشتند یعنی همتی و مهرعلیزاده حمایت کردند اما مجموعه جبهه اصلاحات از هیچ کاندیدایی حمایت نکرد چرا که این دو برآمده از جبهه اصلاحات نبودند.

از سوی دیگر عدم احراز صلاحیت علی لاریجانی هم غیرمنتظره بود. او که همواره در اردوگاه اصولگرایی بود و کسی پیشبینی نمی‌کرد نامحرم شود، شاید از این جهت که امکان به هم زدن توازن قوای انتخاباتی در جریان اصولگرا را داشت کنار گذاشته شد. در نهایت همانونه که پیش‌بینی

سردترین انتخابات ریاست‌جمهوری ۴۰ سال اخیر چگونه بر گزار شد؟

آرای باطله، چهره نوظهور سال ۱۴۰۰!



می‌شد برخی کاندیداها که از ابتدا هم مشخص بود کاندیدای پوششی هستند کنار رفتند. سعید جلیلی و علیرضا زاکانی دو کاندیدایی بودند که مشخص بود به نفع رئیسی کنار می‌روند و همین‌گونه هم شد و از طیف مقابل هم

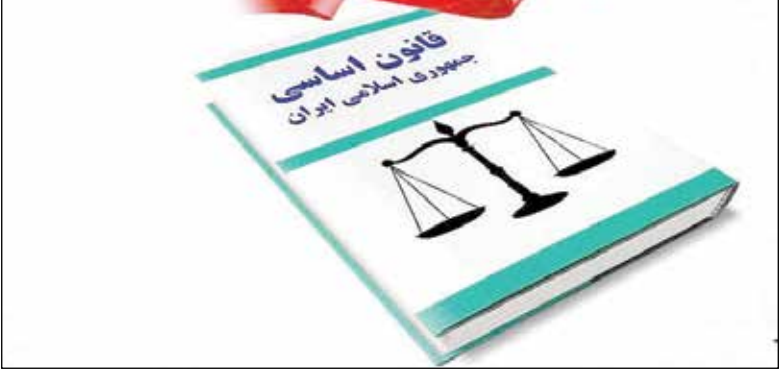
میزان مشارکت مردم در این انتخابات ۴۸ درصد

بود که همچون میزان آرای باطله، بیسابقه بود. دلیل اصلی این موضوع را می‌توان کاهش اعتماد عمومی‌به ارکان مختلف حاکمیت دانست. مردم اگر در انتخابات ۱۳۹۶ برای دومین بار به حسن روحانی رای دادند به دلیل موفقیت آن دولت در لغو تحریمها و بهبود نسبی شرایط اقتصادی کشور بود. اما اتفاقاتی که در چهار سال دوم دولت روحانی رخ داد عملا مردم را نسبت به دولت ناامید کرد و موجب رویگردانی آنها از اصلاح طلبان به عنوان حامیان دولت روحانی شد.

دولت روحانی موفق نشد وعده‌های اقتصادی خود را تحقق بخشد و با بازگشت تحریم‌ها عملا خلع سلاح شد. در اعتراض دی سال ۹۶ و سپس اعتراضات آبان ۹۸ که به دلیل افزایش قیمت بنزین رخ داد، فاصله دولت با مردم بیشتر و بیشتر شد و مردم به جای آنکه همانند چهار سال اول دولت روحانی از او و دولت‌ترانش شاهد همدلی باشند، نظاره گر رویکردهایی عجیب بودند که به ناامیدی‌ها دامن میزد. سخن معروف روحانی مبنی بر اینکه خردم هم جمعه صبح فهمیدم بنزین گران شده، یا فیلتر شدن تلگرام و بعد هم قطعی مقطعی اینترنت در آبان و آذر ۹۸ در شرایطی که روحانی قول داده بود دست کسی روی دکمه فیلتر نشود، برای مردم قابل قبول نبود. ضمن اینکه شرایط اقتصادی نیز روز به روز بدتر شده بود و به همین دلیل اکثریت مردم به جایی رسیدند که همانند انتخابات مجلس اسفند ۹۸، دیگر برایشان مهم نبود چه کسانی در مجلس شورای شهر و حتی صندلی ریاست جمهوری استقرار می‌یابند تا بدین ترتیب سردترین انتخابات ریاست جمهوری برگزار شود.

«بازنگری در قانون اساسی» دوباره مورد توجه سیاستون قرار گرفت

جمهوریت سوم، خواسته‌ای فرا جناحی



تصورشان از این مساله یک الگوی برگرفته از جمهوریت فرانسه بود. مفهوم کلی بحثی که ما داشتیم هم این بود که قانون اساسی ما باید مورد بازنگری قرار گیرد. اجازه بدهیم من به عنوان مقدمه یک توضیح کوتاه از این مساله سوم هم که به نظر می‌رسد مهم‌تر از نکات قبلی باشد، ایهام‌هایی است که نظام را دچار بست

کرده و معضلات و مشکلاتی برای نظام به وجود آورده است. من معتقدم یکی از راه‌های برون‌رفت از معضلات و مشکلات کشور، همین بازنگری در قانون اساسی است و به عبارت دیگر برای برون‌رفت از این مشکلات چاره‌ای جز بازنگری در اصول قانون اساسی نداریم.

از نظر کوکبیبان ۱۵ محور در قانون اساسی نیاز به تغییر دارد که بعضی از آنها عبارت بودند از : لزوم مشخص کردن نظام پارلمانی ایران، جایگاه احزاب در ساختار سیاسی نظام، تعریف رجل سیاسی و مذهبی در قانون اساسی، مشخص کردن جایگاه مجمع تشخیص مصلحت نظام، مشخص کردن دقیق اختیارات شورای نگهبان، بحث اختیارات شورای عالی امنیت ملی، مشخص کردن جایگاه نهادهای چون شورای عالی انقلاب فرهنگی، بحث انحصار صدا و سیما و دخالت نیروهای مسلح در سیاست.

البته واضح است که این فصאל اصلاح طلب بر اساس خاستگاه سیاسی خویش مواردی را مطرح کرده است و شاید افرادی چون محمدرضا باهنر موضوعات و مصداق‌های دیگری را برای تغییر در ذهن دارند، اما اگر از منظری بالاتر نگاه شود می‌توان گفت که بازنگری و تغییر در قانون اساسی، فی نفسه خواسته بخشی از هر دو جناح سیاسی کشور است؛ این موضوع را از اینکه هم کوکبیبان و هم باهنر مطرح کرده اند می‌توان فهمید؛ و بحث درباره موضوعات و مصادیق تغییر بحثی ثانویه است که در صورت موافقت رهبر انقلاب و شکل گیری زمینه‌های دیگر برای انجام این مهم می‌توان درباره آن گفتگو کرد.

بازنگری و تغییر در قانون اساسی اتفاق عجیب یا موضوع ممنوعه ای نیست. این امر نه تنها در قانون اساسی پیش بینی شده است، که یکبار در سال ۱۳۶۸ قانون اساسی مصوب در سال ۱۳۵۸ مورد بازنگری قرار گرفت و بعضی از اصول مهم آن تغییراتی کرد. در سال‌های اخیر بعضی از اهالی سیاست لزوم بازنگری و اصلاح قانون اساسی را مورد اشاره قرار دادند و تلاش کردند که باب گفتگو درباره این موضوع مهم و حیاتی برای نظام جمهوری اسلامی‌را بگشایند.

در سال ۱۴۰۰سخنان محمدرضا باهنر چهره شاخص اصولگراها در این خصوص یکبار دیگر این موضوع را در میان مطبوعات و رسانه‌ها برجسته شد. اگرچه سخنانی دقیق تر و مفصل تر در این زمینه را تیرماه ۱۳۹۸ مصطفی کوکبیبان دبیرکل

حزب مردم سالاری بیان کرده بود. محمدرضا باهنر نایب رئیس اسبق مجلس شورای اسلامی‌و دبیرکل جامعه اسلامی‌مهندسن سوم بهمن در نشست ماهانه جامعه اسلامی‌مهندسن عنوان کرد که «باید خود را برای جمهوری دوم آماده کنیم» و پس از آن در مساعیه ای تفصیلی

با خبرآنلاین ضمن رونمایی از ایده خود، گفت: بعد از ۴۰ و اندی سال باید در برخی ساختارها تجدیدنظر کنیم. فرانسه از زمان انقلاب کبیر خود تاکنون ۵ جمهوری را تغییر داده و ساختار جمهوریت خود را تغییر داده. ما هم باید وارد دوره «جمهوری دوم» شویم.

وی گفت: اصل ۱۷۷ قانون اساسی، موارد اصلاح قانون اساسی را مشخص کرده است. با آن و اراده رهبری، مجلسی به نام بررسی مجدد یا بازنگری در قانون اساسی تشکیل می‌شود. قانون اساسی حتی ترکیب این مجلس را هم مشخص کرده است. مجلس تشکیل‌شده، موارد مرتبط با اصلاحات ساختاری را بررسی کارشناسی می‌کند

در ماه‌های بعد اعتراضات به «انتخابات فامیلی» در رسانه‌ها و فضای مجازی همچنان ادامه پیدا کرد و از آن طرف دولت هم همه ادعاها را تکذیب کرد. از نظر دولت، انتصاب بستگان نامپندگان مجلس یا مسئولان نهاده‌ا و شهرداری‌ها و … در دولت انتصاب فامیلی نیست!

در همین راستا و علی رغم اینکه رسانه‌ها بارها و بارها فهرست انتصابات فامیلی را منتشر کردند، در پایان بهمن ماه صولت مرتضوی معاون اجرایی رییس جمهوری درباره انتصابات فامیلی در دولت سیزدهم اظهار داشت: انتصابات فامیلی در دولت مردمی و انقلابی فضاسازی رسانه‌ای است و ابدا در این دولت انتصابات فامیلی نداریم.

دو مورد از انتصابات فامیلی در دولت سیزدهم با نام بریدست تا من: از آن دفاع کنیم. اگر کسی مصداقی از انتصابات فامیلی دارد معرفی کند تا سریع آن موضوع را رسیدگی کنیم.

جلو‌های جدید فامیل بازی، گریبانگیر دولت جدید شد

انتصابات فامیلی؟ کو؟ کجا؟ ممکن نیست!



هم در آورد. علیرضا قزوه که جزو شاعران سیاسی و اصولگراست در این زمینه یک رباعی از خویش در فضای مجازی منتشر کرد که بازتاب بسیاری یافت: «شد صورت خلق سرخ از سیلی تان / کو تجربه؟ کو مدرک تحصیلی تان / این دولت

وی اضافه کرد: خواستند به اعتمادی که دولت در دل مردم ایجاد کرده است آسیب بزنند و شاید هم

عامدانه بوده؛ زمانی که دیدند در نظرسنجی‌های

داخلی و بین المللی، این دولت و رئیس جمهور بعد از انتخابات رشد فرآینده محبوبیت‌های اجتماعی پیدا کرده است به داستان سراپی و ادعای انتصاب فامیلی پرداختند.

رئیس دفتر رئیس جمهور گفت: البته برخی افراد از جمله نمایندگان مجلس گفتند که می‌خواستند تذکر دهند تا دولت گرفتار این وضعیت نشود و دولت هم این تذکر را می‌پذیرد و تا کنون گرفتار این وضعیت نشدیم و گرفتار هم نخواهیم شد.

انقلاب اسلامی‌ماست / نه دولت انقلاب فامیلی تان!« همچنین سید عبدالنبی موسوی‌فرد، نماینده ولی ققیه در خوزستان هم در خطبه‌های نماز جمعه اظهار کرد: ما به شما رای ندادیم که فلان مسئول ،داماد و فرزندت را سر کار بیاوری و بهره‌مند شونی؛ مسئول باید مثل مردم و بین آن‌ها زندگی کند؛ اگر ما بخواهیم عدالت اجرا شود لازمی‌ه آن مطالبه‌گری مردم است.

علی رغم همه این حرف‌ها، در نیمه آذر رئیس دفتر رئیس جمهور یکبار دیگر همان ادعای قبلی درباره انتصابات فامیلی را تکرار کرد تا معلوم شود در همچنان بر همان پاشنه می‌چرخد و با توجه به این اعتراضات و هشدارها دولت همچنان همه اخبار در این زمینه را «کذب» می‌داند.

غلامحسین اسماعیلی در برنامه نگاه یک شبکه اول سیما درباره خبررسانی‌هایی که در زمینه انتصابات خانوادگی در دولت انجام شده بود، گفت: این از ظلم‌ها و خطاهایی بود که برخی